

چرایی علم اندوزی زنان مسلمان در عصر تمدن نوین اسلامی رویکردی بر الگوی پیشرفت

اسماعیل عارفی گوروان^۱
ملیحه حاجی حسن^۲

چکیده

در هر عصری، تالو گرایش به علم و دانایی توانسته حیات انسانی را تحت شعاع قرار دهد. در این میان تشعشع علم اندوزی زنان در فضا و زوایای تاریخ تمدن چنان برجسته است که بانوان را به عنوان احیاگران فکر و اندیشه ترسیم نموده است. در نگاه متفکران و صاحب نظران اسلامی، پدیدار گشتن زنان دانشمند فقط در سایه پرچم ائمه معصومین (ع) از علم و دانش امکان پذیر است. نظر به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل توصیفی در صدد پاسخ به این پرسش است، که چرا علم اندوزی زنان در عصر تمدن نوین اسلامی مورد توجه قرار گرفته است؟ مقاله حاضر که می‌کوشد به توصیف اصول علم اندوختن زنان در جامعه نوین اسلامی بپردازد. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که: (۱) مکتب فکری اسلام با ترسیم نظام دانایی توانسته مقام و منزلت علم را در میان جامعه بشریت نشان دهد. (۲) انقلاب علمی و انتقال آن به نسل آینده در مکتب مهدی امکان پذیر است. (۳) علم اندوزی زنان و بنیان‌های پنجگانه که شامل: «واجب بودن علم اندوختن»، «سیمای ارزشمند عالم»، «بالاترین ثروت زندگی»، «مجاهدت در راه دانایی»، «حفظ منزلت و شخصیت زنان در محور خانواده» است. (۴) پیامد علم‌گرایی زنان در بعد فردی، پرورش نسل‌های عالم و دانا در ابعاد جمعی، در جامعه اسلامی.

کلیدواژه‌ها: علم اندوزی، زنان دانشمند، نظام دانایی، احیاگران فکری، تمدن نوین اسلامی.

مقدمه

در هر عصر و زمان، گرایش به کسب علم و دانایی چنان حیات انسانی را تحت شعاع قرار داده که به‌عنوان فضیلت و ارزش از آن یاد می‌شود. انسان‌ها از هر فرصت برای رشد و توسعه دانش خود در جامعه تلاش نموده و با رنج و سختی علوم را در حیطة زندگانی به پرده عمل کشانده‌اند. با طلوع سخن اسلام در حیات بشریت، علم‌اندوزی انسانیت خصوصاً زنان در زوایای تاریخ تمدن‌ها چنان برجسته شد که زنان را به‌عنوان احیاگر فکری تاریخ بشری معرفی شدند. «هرکس این سخن ارزشمند را شنیده بود در هر شرایطی که قرار داشت با شوق و شور فراوانی، برای آموختن علم و دانایی، نهایت سعی و کوشش خود را به‌کار گرفت.» (اردستانی، ۱۳۸۸: ۱۷)

نظر به تفاوت دیدگاه‌های متفکران در رابطه با علم‌اندوزی زنان در جامعه، در یک دید مقایسه‌ای از منظر متفکران اسلامی و مکتب غربی، می‌توان؟؟؟ به این نکته اشاره کرد که پدیدار گشتن زنان دانشمند در سایه پرچم ارزیابی معصومین (علیهم‌السلام) از بحر علم در دنیای بشری امکان‌پذیر شد. البته این نکته بدان معنا نیست که پیدایش زنان متفکر فقط در این نحله فکری پدید آمده است بلکه جامعه نوین اسلامی توانست شکوفایی ارزشمندی و سیمای زنان عالم را هموار کند. چنانچه زنان مانند مردان پروانه‌وار گرد راهنمایی معصومین به اندوختن علم و دانش روی

۱. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی انقلاب arefiesmail69@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی انقلاب، malihehajihasn@gmail.com.

آورد، و با انتقال آن به نسل آینده توانستند زوایای زندگی بشریت را بر اساس توانایی و خرد بسازند و پیشرفت جامعه اسلامی را رقم بزنند.

در تفکر و بینش اسلامی معصومین، علم‌اندوزی بر بنیادهایی از جمله «واجب بودن علم‌اندوزی»، «سیمای ارزشمند عالم»، «بالاترین ثروت زندگی»، «مجاهدت در راه دانایی» و «حفظ منزلت و شخصیت زنان در محور خانواده» استوار است. بنابراین بررسی و شناخت اصل علم‌اندوزی زنان در عصر نوین اسلامی از دو جنبه حائز اهمیت است. از یک سوی مبنای انقلاب علمی در نسل آینده مشخص می‌گردد و از سوی دیگر، تکلیف زنان در عصر نوین برای افزایش این امر خطیر به روشنی بیان می‌گردد. نظر به اهمیت مسئله علم‌اندوزی زنان در عصر نوین اسلامی این نوشتار با روش تحلیل اسنادی و با استفاده از فیش برداری از کتب، مقالات، اسناد، درصدد پاسخ به این سؤال اصلی است: «چرا علم‌اندوزی زنان در عصر و تمدن نوین اسلامی مورد توجه قرار گرفته است؟»

۱- مفاهیم و مبانی نظری

۱-۱- تعریف مفاهیم

۱-۱-۱- زنان دانشمند

در اصطلاح دینی، نشانه عالم اینگونه مشخص شده است: «۱- علم و دانش، ۲- خویشتن‌داری ۳- خاموشی» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۷۷). یا این‌که دانشمند کسی است: «که عمل و رفتارش، گفتارش را تصدیق کند و قول و عملش هماهنگ باشد.» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۷۵). زنان دانشمند نیز کسی است که دانش بیاموزد، به دیگران آن را منتقل کند، در جامعه حضور مؤثر داشته، سیره رفتاری هماهنگ با گفتار داشته، عنصر مفید و فعال در سازندگی و سرنوشت‌سازی باشد و درنهایت از خود تلاش و قهرمانی ارائه دهد. (اردستانی، ۱۳۸۸، ۲۳)

۱-۱-۲- نظام دانایی

امروز، دانایی، دانش، علم به صورت الفاظ جداگانه تعبیر می‌شود ولی در معنا به‌عنوان آگاهی سودمند به‌کار گرفته می‌شود. چنانچه در قرآن آمده است «هرچه نمی‌دانید از آگاهان بپرسید» در واقع دانایی براساس نظام خاصی طبقه‌بندی شده است: ۱- آموختن براساس کتاب و حکمت. (بقره / ۱۲۸) ۲- انتقال دانایی‌ها به دیگران (مجلسی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۵۲) ۳- تبعیت (مجلسی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۴۴).

۱-۱-۳- احیاگران فکری

فکر و اندیشه بدون علم و دانش امکان‌پذیر نیست چنانچه امام صادق فرمودند: «تعقل بی دانش میسر نشود.» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ۴۷). و یا این‌که در قرآن آمده است: «جز دانشمندان درباره مثل‌ها نمی‌اندیشند.» (عنکبوت / ۱۴۳). بدین سان، فکر در سایه علم رشد می‌کند و دوباره احیا و زنده می‌شود. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه و آله) می‌فرماید: «گفتگوی علمی میان بندگان وسیله زنده شدن دل‌های مرده است.» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۸۹).

۱-۱-۴- علم و عمل

«علم مشخص روح است، عمل مشخص بدن... واضح‌تر این‌که علم سازنده روح انسان و عمل سازنده بدن اوست.» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۶۴: ۸۷). درحقیقت تعریف علم را باید از زبان امیرعلم فراگرفت که ایشان می‌فرماید: «العلم علمان: مطبوع و مسموع ولاینفع المسوع اذا لمیکن المطبوع یعنی علم دو قسم است: قسم اول آنچه در نهاد انسان وجود دارد و قسم دوم آنچه شنیده می‌شود. وقتی شنیدنی‌ها مفید است که نهاد انسان آمادگی داشته باشد.» (امام علی (علیه‌السلام)، ۱۳۷۶: ۹۸۹).

۱-۲- پیشینه تحقیق

در رابطه با مسأله علم‌اندوزی در منظومه زنان تاکنون تحقیقی مستقل منتشر نشده است. البته برخی از محققان در ذیل بررسی اهمیت علم و ارزشمندی عالم اجمالاً به این موضوع اشاراتی نموده‌اند. به‌عنوان مثال اردستانی (۱۳۸۶) در کتاب خود با عنوان «زنان دانشمند و راوی حدیث» در ذیل گفتار زنان محدث در تاریخ اسلام به مسأله ارزشمندی راویان حدیث زن پرداخته است. یا این‌که اکبری (۱۳۷۹) در کتاب خود به‌عنوان «مشایخ بزرگ حدیث در درشت» به مسأله اهمیت علم و عالم پرداخته است و روایات مربوط به تعلیم و تعلم را بیان کرده است. اما در تحقیقات دیگر منتشر شده در این رابطه بیشتر به مسأله حقوق زنان اشاره شده است. مثلاً مطهری (۱۳۷۸) در کتاب «حقوق زن در اسلام» با توجه به دنیای مدرن و دیدگاه‌های مختلف فکری، حقوق زنان را در جامعه و خانواده از نظر اسلامی بیان نموده است. البته مقالاتی انجام شده، بیشتر به بررسی و معرفی زنان در زمینه تربیت اسلامی است مانند: جلالی‌کندری (۱۳۷۹) در مقاله خود به‌عنوان «درخشش زنان مسلمان در عرصه علم و فرهنگ در صدر اسلام»، به معرفی زنان مسلمان در عرصه علم و فرهنگ پرداخته است. ایشان با تقسیم‌بندی علوم رایج آن زمان در ابعاد شعر و هنر، علوم قرآنی، فراگیری احادیث، به معرفی زنان پرداخته و سپس با شرح مختصر از زندگانی آنان در تاریخ، اهمیت علم و تعلم را در بین زنان نشان داده است. البته سید علی‌اکبر حسینی (بی تا) در مقاله خود به‌نام «تشویق به علم‌اندوزی و سیره و گفتار پیامبر (ص) بیشتر به تشویق علم‌اندوزی و نقش آن در پیشرفت‌های مسلمان از زبان پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله) پرداخته و اشاراتی نیز به تشویق زنان به علم و تحصیل قرآن نیز کرده است ولی در کل بیشتر به طلب علم به‌صورت عام تأکید داشته است. مقاله حاضر از حیث کاربست چارچوب مفهومی و موضوع تحقیق، تلاش کرده است که نگاهی منظومه‌ای و جامع به مسأله علم‌اندوزی زنان و بنیان‌ها و اصول اساسی آن در عصر نوین اسلامی در دیدگاه معصومین دین (علیهم‌السلام) داشته باشد که اثری نو و بدیع به‌شمار می‌آید.

۱-۳- مبانی نظری

۱-۳-۱- علم‌اندوزی در فلسفه غرب

در مغرب‌زمین، دیدگاه‌های مختلفی نسبت به علم و دانستن، کسب علم‌اندوزی، ارائه شده است. رفتارگرایان همانند اثبات‌گرایان درصدد بنای دانش بر ابعاد عینی و ریاضی هستند. آنان دانش را ترجمه دانستنی‌ها به زبان ریاضی و تشریحی می‌دانند، درحالی‌که مکاتب پدیده‌شناسی و تفهومی، بر ادراک و فهم تأکید می‌ورزند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۶۶۲). برخی دیگر از دانشمندان، علم‌اندوزی را اساس کسب منافع و موقعیت‌های اجتماعی، انتقادی، علمی، فرهنگی، سیاسی می‌دانند و اصالت را در پیامدهای کسب علم در نظر می‌گیرند. «جامعه‌شناسانی که به شیوه کارکردی، آموزش و پرورش را مطالعه می‌کنند، نظام آموزشی را به‌عنوان بخش لاینفکی از کل نظام جامعه تلقی می‌کنند که برای آن کارکردهای زیر را می‌توان در جامعه فرض نمود ۱- انتقال فرهنگ و ارزش‌های جامعه به نسل جوان ۲- آماده‌ساختن مردم برای کار در دنیای بزرگسالان ۳- ایجاد نیروی کار ماهر برای اقتصاد» (ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۲۱۰).

در فلسفه و جامعه غرب، علم‌اندوزی از طریق مدرسه و دانشگاه امکان‌پذیر است. که مورد انتقاد برخی از دانشمندان قرار گرفته است. برنشتاین در دهه ۱۹۷۰ علم‌اندوزی کودکان و نوجوانان را وابسته به طبقات اجتماعی و اقتصادی افراد مربوط می‌داند. او معتقد است دانش‌آموزانی که دارای پیشینه اقتصادی - اجتماعی ضعیف هستند، پیشرفتی در تحصیلات مدرسه‌ای و سپس دانشگاهی نخواهند داشت، چراکه با الگوی زبانی محدود ارتباط داشته که همین مانع پیشرفت تحصیلی کودکان طبقات پایین می‌شود.

در این راستا، ایوان ایلچ با طرح نظریه انتقادی خود باعث جنجال در مجامع تربیتی و دانشگاهی شد. او معتقد بود که

نظام آموزشی مدرن امروزه براساس توزیع مردم در نقش‌های شغلی و همچنین یادگیری بر ارزش‌های مسلط جامعه و دانش مورد تأیید اجتماع توسعه یافته است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۷۴۰). لبه تیز نظریه انتقادی - تربیتی ایلچ طبق استدلال هایش، متوجه اقتصاد نوین می‌باشد. «طی فراگرد اقتصاد نوین، مردم مجبور می‌شوند تدریجاً برای سلامت به پزشک، برای تحقیق آموزشی و علم به مدرسه در دانشگاه و برای کار به کارفرمایان مراجعه کنند. بنابراین او معتقد است در گسترش آموزشی و پرورشی مدرسه‌ای را با نیازهای توسعه اقتصادی به انضباط و سلسله مراتب اجتماعی، مرتبط تلقی می‌کند.» (ذوالفقاری، ۱۳۸۹، ۲۱۳).

با چرخش و تحول الگوهای خانواده طی چند دهه گذشته، شاهد علم‌اندوزی در خانواده‌ها خصوصاً زنان هستیم. پیدایش دیدگاه فمینیستی تا حدود زیادی توانست این تحول خانواده و نقش زنان را بر طیف گسترده‌ای از مباحث و عناوین ترسیم نماید. لذا اصلی‌ترین مباحث این دیدگاه بر سه مضمون استوار است: ۱- تقسیم کار خانگی ۲- روابط نابرابر قدرت ۳- فعالیت‌های تیمارداری (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۵۷). طرفداران فمینیستی معتقد هستند که خشونت و نابرابری نسبت به زنان، در محافل قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری، محیط دانشگاهی نادیده گرفته شده است. در واقع آنان با «چالش کشیدن تصویر خانواده به منزله قلمرویی هماهنگ و برابر، تأثیر بزرگی بر جامعه‌شناسی گذاشته‌اند» (ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۲۰۴). اما در میان موضوعاتی مانند تحصیل زنان فقط در محدوده حقوق زنان مطرح می‌شود و پیامد آن را در استقلال و آزادی زنان می‌بینند که همین مطلب فقط در کسب سرمایه برای زنان امکان‌پذیر می‌باشد ولی به نقش علم و دانش در تمدن بشریت زنان توجه ندارند.

در نتیجه در نگاه غرب علم و تحصیل دانش براساس اقتصاد و سرمایه‌داری بنا شده است و با برابر دانستن زنان و مردان در تمام فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، بر تأکید تحقیق کلاسیک زنان برای کسب مقامات اجتماعی - سرمایه‌ای، تأکید دارند. در این میان نیم‌نگاهی نیز به اخلاق و خانواده کرده‌اند، ولی آن را از اهداف فرعی محسوب می‌کنند. درحقیقت تحصیل علم نتوانسته در جامعه غرب جایگاه اصلی خودش را به‌دست آورد و به تبع آن زنان نیز نتوانستند چرایی علم‌اندوزی خود را به‌طور حقیقی دریابند!

۱-۳-۲- علم‌اندوزی در دیدگاه معصومین (علیهم‌السلام)

وقتی اولین آیات بر حضرت رسول (ص) نازل شد، اهمیت علم و تعلیم به قدری روشن بیان شد که خود بهترین گواه در جایگاه علم و دانش در این دیدگاه می‌باشد. «إقرأ باسم ربك الذی خلق، ... أَلَدَىٰ عَٰلَمٍ بِالْقَلَمِ، عِلْمُ الْإِنْسَانِ مَا لَمْ يَعْلَمْ.» (علق / ۵-۱) ضرورت فراگیری علم و انتقال آن براساس دیدگاه ائمه یک ضرورت مطلق است و هیچ قیدی از حیث مکان، زمان، شخص، ... بر آن وارد نشده است. چنانچه پیامبر اکرم می‌فرماید: «دانش را بیاموزید هر چند در چین باشد» (مجلسی، ۱۳۷۳، ج ۱، ۱۸۰). به تعبیر دیگر هر نوع محدودیت در تمام ابعاد علم‌اندوزی نفی شده است.

بر این اساس، بنیادهای اساسی و اصول علم‌اندوزی در نظرات معصومین مشخص شده است. آنان فراگیری دانش را بر اصل تکلیف واجب قرار دادند. «طلب العلم فریضه علی مسلم» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۵۵). و طلب علم را از هر عمل دیگری نیز واجب‌تر می‌دانند چراکه علم و دانش در پیش دانشمندان محفوظ و سپرده شده است و بشریت مأمور است آن را از اصلش طلب کنند. «ان طلب العلم اوجب علیکم من طلب المال، ان المال مقصوم مضمون لکم، قد قسمه عادل بینکم و ضمن و سیفی لکم و العلم محزون عند امله و قد امرتم بطلبه من امله فاطلبوه.» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۵۷). یعنی بدرستی که طلب علم از طلب مال بر شما واجب‌تر است، چراکه برای مال تضمین شده که عادل آن را قسمت کرده و ضمانت نموده و پرداخت می‌کند ولی علم نزد اهلش محفوظ است و شما مأمورید که آن را طلب کنید پس طلب کنید علم را.

یکی دیگر از بنیان‌های علم‌اندوزی همان ارزشمندی عالم است که در نظام دانایی به صورت آشکار ترسیم شده است. امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: «علما چراغ هستند و پرهیزکاران دژ و اوصیاء سروران آن هستند» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۶۳). چه زیبا این مطلب بیان شده است زیرا انسان‌ها در سیر تاریخ زندگی خود دچار ظلمت می‌شوند و تاریکی تمدن تاریخ، راه‌های علم‌اندوزی را به بیراه می‌کشانند، در نتیجه دانشمندان مانند چراغی می‌توانند سرشت بشریت از سقوط در درهٔ جهل نجات دهند. این حقیقت که انتقال علم در جامعه و نسل آینده بسیار ارزشمند است، جای تردیدی نیست، اما این‌که چه کسانی می‌توانند این مسؤلیت مهم را به‌عهده بگیرند بسیار حائز اهمیت است. کسب دانش و توسعه علم، معلول کارکرد دانشمندان و محققان است که موجب انقلاب در نیروهای علمی می‌شود و این امر به صراحت از اهداف برانگیختن پیامبران و اوصیاء در جامعهٔ انسانیت دانسته شده است «من برای تعلیم فرستاده شده‌ام» (مجلسی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۰۶). به تعبیر دیگر، دانشمند سبب می‌شود: «او بندگان را از خارستان جهل به گلستان متصل و دانایی رسانیده است و برای همین به این شرف و قرب واحترام رسیده است. اکنون هر کس در دنیا از این عالم استفاده کرده است و از تاریکی جهل به نور و روشنایی رسیده است به او متوسل گردد و از تاریکی خود را برهاند و به سوی بهشت رود.» (اکبری، ۱۳۷۹: ۴۸).

بی تردید، کسب علم دارای مزایا و امتیازاتی بسیار می‌باشد. در اندیشه علمی معصومین امر به مجاهدت و کوشش برای علم‌اندوزی مورد تأکید می‌باشد. آنان همگان را به فراگیری علوم تشویق می‌کنند هرچند در این راه متحمل رنج و زحمت بشوند. «اگر مردم بدانند که در طلب دانش چه سودی نهفته است، دنبال آن می‌رفتند، گرچه خون دل درراه آن بریزند و به گرداب‌ها فرو روند» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۷۱). بنابراین در این صحنهٔ علم‌آموزی افراد می‌توانند در حد مطلوب، خود و جامعهٔ خود را بسازند و آخرت اجتماع خود را نیز تضمین کنند. چنانچه امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «العلماء رجلا ن - رجل عالم اخذ بعلمه فهذا ناج و عالم تارك لعلمه فهذا طالب» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۰۱). یعنی علما و دانشمندان دو دسته هستند: ۱- عالمی که به علم خود عمل می‌کند نجات پیدا می‌کند و ۲- دانشمندی که علم خود را رها کرده و عمل نمی‌کند هم خود و جامعه خود را به هلاکت می‌کشاند. به هر روی، هدف از علم و تحصیل آن است که به میزان توان به حقیقت نائل شده و گردوغبار جهل را از اندیشه و مسیر زندگی زدوده و به کمال انسانیت رسیدن است. درغیر این‌صورت تحصیل علم، فاقد ارزش می‌شود و ارادهٔ خیر از آن جدا گشته و انسان و جامعه به سوی پرتگاه، شتاب می‌گیرند.

۱-۳-۳- علم‌اندوزی در اجتماع زنان

بازگرداندن روح زنان و سرشت آنان به حالت تکامل از طریق علم در دیدگاه معصومین به حد فراگیر و همگانی بازگو شده است. با مشاهده تاریخ زنان دانشمند در تمدن اسلامی، می‌بینیم پیشوایان با پرورش علم و تشویق زنان مسلمان به پرسشگری و نکوهش عمل بدون علم توانستند مقام بالای مادری و همسر را در خانواده و اجتماع به پردهٔ نمایش بگذارند. «هرکس که ندانسته عمل کند، اثر تخریبی از اصلاح کردنش بیشتر است زیرا بدیهی است که تمام انحرافات و فساد و تخریب معلول جهل و ناآگاهی است. به همین جهت اسلام در اولین قدم به علم و آگاهی تشویق می‌کند و آن را غذای عقل می‌شمارد.» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۹۹).

از یک‌طرف، شخصیت و کرامت زن در حریم جامعه وابستگی شدید به نوع نگرش و عملکرد او در اجتماع دارد و از طرف دیگر، امتیازات و موفقیت‌های زنان چه از ابعاد فردی و چه جمعی از حقوق و اخلاق آنان سرچشمه می‌گیرد و این مسأله احتیاج به مراقبت و خودسازی فراوان زن دارد. (اردستانی، ۱۳۸۸: ۳۹) با توجه به ارزش‌هایی که اسلام و معصومین در شرایط یکسان به علم‌اندوزی و دانش‌پژوهی به همهٔ افراد جامعه چه زن و چه مرد می‌دهند، اما کسب

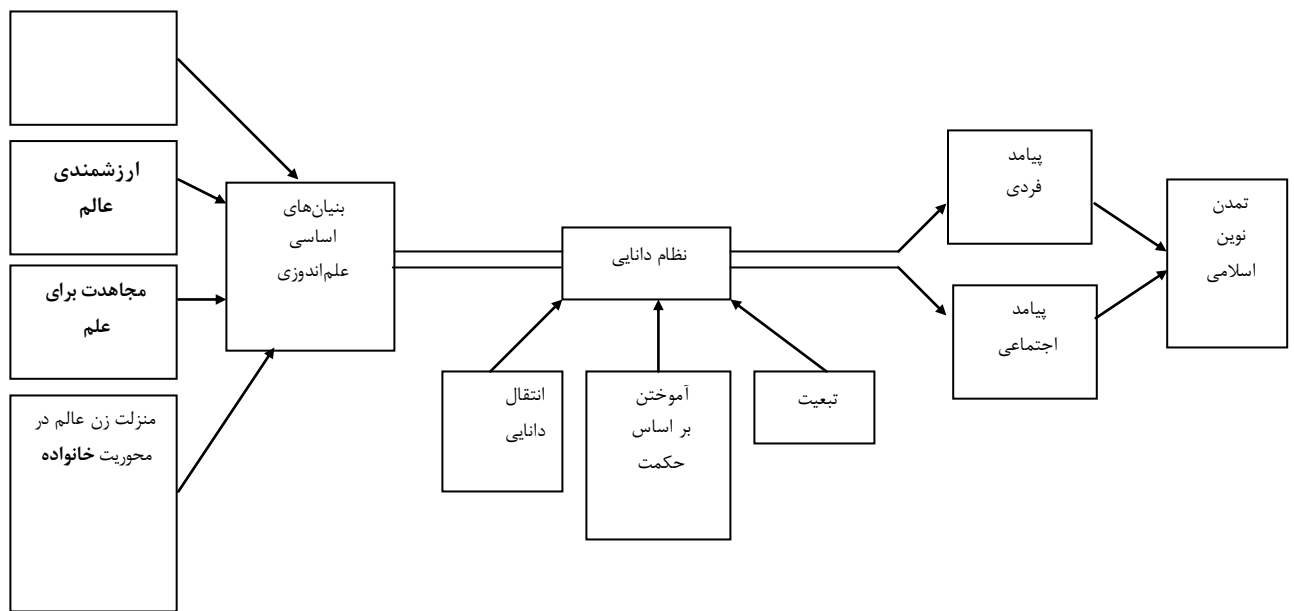
علم در میان زنان توانسته به اثبات برساند که قدرت معنوی فوق‌العاده زنان که در سایه علم پرورش یافته و حوادث مهمی را در تاریخ همانند پرورش انسان‌های عالم و فاضل و همچنین صحنه‌هایی از قیام عاشورا و در ادامه برگزاری بزرگ‌ترین نهضت مهدوی در آینده، رقم بزند. به جرأت می‌توان گفت اگر خدمات فرهنگی، فداکاری، انتقال علم و احادیث، خدمات تربیتی، زنان دانشمند و فاضله نبود هرگز خصلت‌های انسانی نمی‌توانست به‌سوی سعادت و کمال حرکت کند. «موجود مقدس فاطمه (سلام‌الله علیها) به‌عنوان یک مرجع و آموزگار بزرگ محل رجوع و دریافت معارف و گسترش فکر و فرهنگ درخشان اسلامی مطرح بوده، افراد فراوانی به حضورش بار می‌یافته‌اند و از خرمن دانش او خوشه برمی‌چیده‌اند و از سرچشمه زلال علم او سرزمین وجود خویش را سیراب می‌ساخته‌اند، که در میان آنان، چهره‌های بانوانی هم به چشم می‌خورد.» (اردستانی، ۱۳۸۸: ۲۵۶).

بدین‌سان، متفکران اسلام و بزرگان جامعه اسلامی نیز نسبت به علم‌اندوزی زنان، دیدگاه‌های واضح و روشنی در ادامه نظریات ائمه (علیهم‌السلام) ارائه داده‌اند. امام خمینی (ره) به‌عنوان دانشمند و رهبر انقلاب اسلامی، زنان را سکوی پرواز جامعه و مظهر تحقق آمال بشر معرفی می‌کند. ایشان نقش عظیمی برای زنان عالم در اجتماع در نظر می‌گیرد. (امام، ج ۷: ۳۴۱). ایشان به راهمیت نقش زنان در جامعه بسیار تأکید می‌کردند و حتی نقش زنان فعال و دانشمند را از مردان بالاتر می‌دانستند، چراکه زن آگاه به امور جامعه، می‌تواند نسل فعال آینده را تربیت کند و این خود یعنی ساختن جامعه پیشرفته اسلامی. «نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است، بر این که بانوان علاوه بر این که خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند. قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می‌کنند. خدمات مادر به جامعه از خدمات معلم بالاتر است و این امری است که انبیاء می‌خواستند.» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۴، ۱۹۷).

در دیدگاه علمی امام (ره)، زنان باید همدوش افراد جامعه در تحصیل علم، عرفان، فلسفه و تمام شاخص‌های علمی و حتی صنعت فعالیت کنند. ایشان سیاست و علم را مخصوص طبقه خاص نمی‌دانند ولی ویژگی‌هایی برای این‌گونه فعالیت‌ها برای زنان برمی‌شمارد که در اسلام نیز به آن اشاره شده است. ایشان زنان را به علم‌اندوزی سفارش می‌کرده و آن را وسیله برای رسیدن به مقام انسانیت می‌دانستند. «توفیق شما بانوان و خواهران را می‌خواهم که هم در علم کوشا باشید و هم در تهذیب اخلاق همان طوری که علم تنها فایده ندارد و تهذیب تنها کورکورانه فایده ندارد. علم و تهذیب نفس است که انسان را به مقام انسانیت می‌رساند و از خدای تبارک و تعالی خواستارم که شما بانوان را موفق کند و سایر خواهران که در سطح ایران هستند همین‌طور برادران را موفق کند که این دو جناح را که جناح علم و عمل باشد، توأم با اخلاق اسلامی به پیش ببرد و اسلام در ایران پیاده بشود به آن طوری که خدای تبارک و تعالی می‌خواهد.» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۸: ۴۰۵)

علامه مطهری یکی دیگر از متفکران معاصر است که نظرات بسیار دقیق درباره حقوق زنان در عصر جدید مطرح می‌کند. ایشان معتقد است که علم‌اندوزی زنان در جریانات تاریخی باعث تأمین نیازهای جامعه در امور زنان مانند: وجود دکتر زن برای معالجه زنان می‌باشد و این‌گونه علوم را برای زنان واجب می‌دانستند «پس وجوب علم، تابع میزان احتیاج جامعه اسلامی است و کارهایی که جامعه به آن‌ها نیاز دارد آموختن علم آن‌ها واجب است.» (مطهری، ۱۳۸۲: ۳۳).

با توجه به مطالب فوق‌الذکر، می‌بینیم که در دیدگاه و نظریات معصومین (علیهم‌السلام) تحصیل علم و دانش‌اندوزی خصوصاً برای زنان دارای اهمیت خاص می‌باشد آنان طلب علم را براساس بنیان‌های اساسی استوار می‌کنند که مهم‌ترین آنان عبارت است از: واجب بودن فراگیری علم، ارزشمندی علم و عالم، دانش بالاترین ثروت بشریت، کوشش برای تحصیل دانایی و منزلت زن عالم در محوریت خانواده، که این بنیان‌ها مستلزم چارچوب تفاهم دانایی است. از



جدول شماره ۱: چرایی علم‌اندوزی زنان در عصر نوین اسلامی

۴-۱- طرح مفهومی

آن‌جا که ائمه علیهم‌السلام خود متفکران و دانشمندان تاریخ تمدن اسلامی هستند در نتیجه برای رسیدن به پیامدهای تحصیل علم در جامعه نوین اسلامی به ترسیم نظام دانایی کرده‌اند که عبارت هستند از ۱- آموختن براساس حکمت ۲- تبعیت ۳- انتقال دانایی، به تعبیر دیگر این نظام دانایی باعث تحول جدیدی در جامعه زنان اسلامی می‌شود که پیامدهای گوناگون در حوزه فردی و حوزه اجتماعی تمدن نوین اسلامی می‌گردد که به‌صورت مفصل به آن خواهیم پرداخت.

۵-۱- روش تحقیق

در پژوهش حاضر روش تحقیق بصورت کیفی است که از نوع تحلیل اسنادی استفاده شده است. در راستای پژوهش اسنادی سعی شده است کلیه اسناد و مدارک مرتبط با موضوع مقاله به منظور پاسخگویی به سوال مقاله مورد استفاده قرار گیرد. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از اسناد، مدارک، کتاب‌ها، نشریات و سخنرانیها استفاده شده است.

۲- ترمیم نظام دانایی در طول تاریخ اسلام

شخصیت انسان در پرتو عقل کامل می‌شود و عقل نیز سرچشمه علم و فهم است. لذا وقتی علم، مسیرش را از سرچشمه آغاز می‌کند. در یک نظام دانایی و خردورزی قرار می‌گیرد. چنانچه امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «پس باید خردمند طلب علم کند و ادبی آموزد که بر آن استوار ماند.» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۵۱). در این راستا، معصومین (علیهم‌السلام) براساس دیدگاه توحیدی و با استفاده از آیات قرآن، نظامی برای استواری علم در جامعه بشریت طرح‌ریزی نموده‌اند که هر کسی طالب علم و دانش است باید در این جریان قرار گیرد تا به‌سهولت به بالاترین رهبری علم برسد.

اگر به تاریخ تمدن‌ها بنگریم متوجه می‌شویم که جهل و نبود حکمت بزرگ‌ترین موانع استواری جوامع می‌باشد و کلید رهگشایی علمی چنین موانع، فقط در سایه کشف نظام علمی میسر می‌شود. متأسفانه آموختن علم به‌صورت بی‌سامانی و سطحی در طول تاریخ همیشه ابزار کار سیاستمداران قرار گرفته است و برای رهبران علمی مکتب

اهل بیت مشکل آفرین بوده است و بیشترین ضرر را به جامعه علمی اسلامی وارد کرده‌اند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «این‌ها چه مردمی هستند اگر حرف بزنم می‌گویند حرص حکومت دارد و اگر خاموش بنشینم می‌گویند از مرگ ترسیده است» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۵۹). لذا علم‌اندوزی در دیدگاه ائمه بر پایه نظام دانایی استوار گردیده است که مهم‌ترین آنان عبارت است از: ۱- آموختن از روی حکمت ۲- تبعیت ۳- انتقال دانایی

۲-۱- علم‌اندوزی براساس حکمت

در بینش معصومین، علم فقط از طریق دانشمند ربانی به دست می‌آید و خواستار علم و دانش باید از عالمان حقیقی علم بیاموزند و نیز شناخت علم از طریق عقل صورت می‌گیرد. (کلینی، ۱۲۸۶، ج ۱: ۶۱-۸۳). به عبارت دیگر، اندیشه علمی در سایه حکمت شکوفا می‌شود و با بصیرت و آگاهی ثمره می‌دهد. امیرالمؤمنین می‌فرماید: «در علمی که درک نباشد خیری نیست همانا در خواندنی که تفکر نباشد خیری نیست. (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۷۵).

در این هیاهوی امروزی، شاهد علم‌اندوزی عاری حکمت هستیم. دانشمندانی هستند که بالاترین درجه علمی را کسب کرده‌اند ولی در پرتوی بی‌خردی در گرداب بیراهه اخلاقی فرورفتند و جامعه بشریت را با علم خود به تباهی کشانند. در این میان علم‌اندوزی جامعه زنان در پرتوی حکمت مورد تأکید رهبران علمی قرار می‌گیرد، چراکه در لابه‌لای صف قهرهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، ... نقش زنان عالم و آزاد بسیار چشمگیر می‌باشد. «تحصیل برای بانوان به منظور تحصیل معرفت مهم است برای بالابردن رشد فکری اهمیت دارد.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴: ۱۰۴). البته در تاریخ اسلام شاهد آن هستیم زنانی مانند: اسماء دختر عمیس، سلمی دختر عمیس در کلاس درس اهل بیت علم اندوختند، به درک والایی از معرفت رسیده‌اند. اسماء دختر عمیس چنان از دانایی و خردورزی برخوردار است که امام باقر می‌فرماید: «خدا رحمت کند خواهرانی که اهل بهشت می‌باشند و آن‌ها عبارتند از: اسماء دختر عمیس، همسر جعفر بن ابیطالب، سلمی دختر عمیس، همسر حمزه سیدالشهداء...» (اردستانی، ۱۳۸۸: ۳۴).

۲-۲- تبعیت از علم

تبعیت از علم به معنای آن است که «چون علم را شنیدید به کار ببندید» (کلینی، ۱۳۸۶ ج ۱: ۱۰۵). در جایی دیگر امیرالمؤمنین می‌فرماید: «ای مردم! وقتی دانستید به آنچه می‌دانید عمل کنید شاید هدایت شوید. به یقین هر که برخلاف علمش عمل کند، چو نادان سرگردانی است که از نادانی خود به هوش نیاید و آگاه نگردد.» (کلینی، ۱۲، ج ۱: ۱۰۴). در واقع استعمال علم دارای اهمیت بسیاری در پرورش مسیر زندگی دارد. در این رابطه امام صادق به زیبایی رابطه علم و عمل را مشخص می‌کند. ایشان می‌فرماید: «علم عمل را فریاد می‌زند و اگر پاسخش دهد بماند والا کوچ کند و برود.» (کلینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۰۱).

پیامدهای منفی عمل بدون علم نیز در دیدگاه ائمه به خوبی برای مردم مشخص شده است. آنان معتقد هستند که عمل بدون علم اثر تخریبی بسیاری دارد و تمامی انحرافات و فسادها معلول جهل و ناآگاهی است. به همین دلیل اسلام در اولین مرحله تشویق به علم و آگاهی می‌کند و آن را غذای عقل می‌شمارد و در مرحله دوم دعوت به عمل به علم کرده و سپس در مرحله آخر دعوت به تعلم به دیگران می‌نماید. «خدا کاری را جز با معرفت و شناخت نپذیرد و شناختی به دست نمی‌آید جز با عمل» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۹۹). در دیدگاه و اندیشه علمی معصومین، طالبان علم جامعه زنان بر ۵ محور عملی تقسیم می‌شوند:

الف) شرکت در فعالیت‌های سیاسی

ب) آزادی اشتغال و اقتصاد

ج) آزادی تحصیل

- (د) کسب مقامات اجتماعی
(ه) مشارکت در دفاع و جنگ

الف) شرکت در فعالیت‌های سیاسی: مهاجرت در دیدگاه قرآن از ابعاد فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی محسوب میشود. در صدر اسلام، پیامبر بعد از حرکت و هجرت سیاسی خود از مکه به مدینه دستور می‌دهد که زنان همراه امیرالمؤمنین علیه‌السلام هجرت کرده و به مدینه بیایند. در سیر حرکتی تمدن اسلام شاهد مهاجرت‌های گوناگون هستیم که زنان در آن شرکت می‌کردند. «این مهاجرت‌ها دارای ابعاد سیاسی بسیار بود. از یک سو طرد و نفی نظام حاکم بر جامعه را نشان می‌داده و از سوی دیگر ابلاغ پیام آیین جدید را به همراه داشت و از طرف سوم تدبیر سیاسی بوده برای ماندگاری و پایداری مکتب نوظهور.» (مهریزی، ۱۳۸۵: ۵۴).

ب) آزادی اشتغال و اقتصاد: قرآن کریم فعالیت اقتصادی - اجتماعی زنان را امری جایز می‌داند. «لرجال نصیب ماکتسبوا و للنساء نصیب مماکتسبن» (نساء / ۳۲) برای مردان بهره‌ای از آنچه کسب کرده‌اند، است و برای زنان از آنچه کسب کرده‌اند نیز بهره‌ای است. یا در جای دیگر فعالیت شغلی دختران شعیب را در حریم عفاف شان مورد تأکید قرار می‌دهد (قصص / ۲۳-۲۶). اما وقتی به تاریخ صدر اسلام برمی‌گردیم می‌بینیم زنان نمونه‌ای مانند حضرت خدیجه (سلام علیها) اولین زن مسلمان، یکی از بزرگ‌ترین تجار شبه جزیره عرب است و پیامبر اکرم ایشان را به همسری خود برمی‌گزیند و این همان تمامیت و کلیت اشتغال زن در صحنه اجتماع است که مورد تأیید تمدن اسلام قرار می‌گیرد. «در پرتو استقلال فکر و عمل و اعتماد به خویشتن می‌زیست و به برکت مغز متفکر و هوشمند خود چرخ‌های امور اقتصادی و تجاری گسترده خویشتن را به حرکت درمی‌آورد و به اصول و مبانی و مقررات صادرات و واردات و مدیریت شایسته اقتصادی آگاه بود.» (قزوینی، ۱۳۹۲: ۸۱).

ج) آزادی تحصیل: در حدیث قدسی آمده آنچه موجب رضایت حق می‌گردد، گشودن ابواب علوم و معرفت است. «چون فاطمه بنت رسول‌الله بر این زن مؤمنه ابواب علوم و معرفت را گشودند و موجب رضایت حق گردید.» (اکبری، ۱۳۷۹: ۶۷) و (طبرسی، ج ۱: ۲۸).

از آنجا که در شریعت بر توان و استعداد برای کسب علم دعوت به کوشش و تلاش شده است، لذا خداوند در قرآن دانشمندان را نیز می‌ستاید و نکوهش جاهلان را به صورت آشکارا بیان می‌کند. «هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون» (بقره / ۱۵۱) پیامبر اکرم (صلی‌الله و علیه و آله) نیز در این راستا زنان را به تحصیل دعوت می‌کند. «زنان انصار، خوب زنانی هستند، حیا و شرم مانع فقه‌آموزی آنان نیست» (البخاری، ج ۱: ۴۱). زنان در صدر اسلام به خدمت فاطمه زهرا علیهاالسلام می‌آمدند و کسب علم و تحصیل دانش می‌نمودند و پرسش‌های خود را مطرح می‌کردند و فاطمه زهرا علیهاالسلام با صبر و حوصله جواب می‌دادند و می‌فرمودند: «ایرادی ندارد. سؤال خود را ادامه بده و هرچه می‌خواهی سؤال کن» (مجلسی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۳).

د) کسب مقامات اجتماعی: در تمدن اسلامی زنان توانستند در حوزه‌های نقل روایت، برگزاری جلسه درس، صاحبان کرسی و دانش، پزشک و ... کسب مقام نمایند. ابن عساکر ۸۰ زن را به عنوان معلم خود که کسب دانش حدیث نموده است بیان می‌کند. (مهریزی، ۱۳۸۵: ۵۱).

ه) مشارکت در دفاع و جنگ: قرار گرفتن زنان در جایگاه مدافعانه اسلام در تاریخ صدر اسلام بزرگ‌ترین جایگاه سیاسی - نظامی را برای زنان به ارمغان آورده است. نسیبه دختر کعب بارزترین زن قهرمان است، لذا ایشان خاطرات مبارزات خود را اینگونه بیان می‌کند: «هنگامی که رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) برای جنگ احد حرکت کرد، من هم به همراه آن حضرت رفتم، در جبهه جنگ کار من این بود که مشک آبی را به دوش خود انداخته بودم و ارتشیان

و یاران پیامبر را آب می‌دادم تا آن‌که با شمشیر و تیر مشغول جنگ گردیدم و از جان رسول خدا دفاع می‌کردم، که در آن حال زخم و جراحت‌های زیادی بر بدنم وارد شد.» (اردستانی ۱۳۸۵: ۲۲۲-۲۳۳). لازم به ذکر است که نسیبه در چندین جنگ شرکت و بعد از وفات پیامبر نیز در جنگ شرکت می‌نمود.

یکی دیگر از زنان که بالاترین مدافع حریم دین نبوی بود حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) است. ایشان بانوی شجاع کربلا است که در تمام صحنه‌های مبارزه حضور داشته و بالاترین رسالت که حفظ قیام بود به خوبی ایفای نقش نمود. چنانچه امام حسین (علیه‌السلام) خواهر را وصی خود قرار داده و نیز معیاری برای بازگویی علوم و احکام از جانب امام زین‌العابدین قرار گرفت چراکه جان ایشان در خطر بود. (اردستانی ۱۳۵۸: ۲۷۸). یکی دیگر از زنان مجاهد و بافضیلت که در جنگ‌های حنین، خیبر، احد شرکت کرده ام‌ایمن است (اردستانی ۱۳۵۸: ۵۲). که توانست یکی از بهترین سرلشگران مسلمانان تاریخ اسلام «اسامه» را در دامن خود پرورش دهد.

۲-۳- انتقال دانایی

در دیدگاه مفسرین و دانشمندان اهل‌البیت هیچ عملی بالاتر از علم و تعلم نیست و همچنین برای دستیابی به رشد و توسعه در ابعاد گوناگون هم آموختن علم لازم است و هم انتقال آن به دیگران ملزم آن است. «در کتاب علی علیه‌السلام است که خدا از نادان‌ها و جهال برای کسب علم و دانش پیمان نمی‌گیرد تا از دانشمندان پیمان بگیرد که به نادان‌ها دانش بیاموزند زیرا دانش مقدم بر جهل است» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۹۱). گسترش و انتقال دانایی به دیگران باعث برانگیختن نهضت کلی در بین جامعه بشریت می‌شود لذا بالاترین جایگاه علمی به پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله) داده شد و قرآن مدال آموزگاری را برای نخستین مرتبه به ایشان مرحمت می‌فرماید: «لقد من الله علی المؤمنین إذ بعث فیهم رسولاً من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یتذکرهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه» (آل عمران / ۱۶۴). یعنی خداوند بر مؤمنین منت گذاشت و از نفس خودشان رسولی را برانگیخت تا برایشان آیاتش را بخواند و کتاب و حکمت را به ایشان بیاموزد. بزرگی مقام تعلیم چنان است که امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «هر کسی برای خدا دانش آموزد و به کار بندد و آن را به خاطر خداوند به مردم بیاموزد، تعلیم دهد در ملکوت آسمان‌ها بزرگش خوانند.» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۷۳). جامعه زنان مسلمان نیز از این مکتب بهره گرفته و بعد از تحصیل علوم آنان را به دیگران خصوصاً فرزندان و نسل آینده اجتماع تعلیم دادند، چه زیبا است که مادران هم علم اندوختن و هم انتقال دادند.

حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) در زمان خلافت امیرالمؤمنین علیه‌السلام با داشتن مقام علمی، اولین دانشگاه تفسیر قرآن را برای زنان کوفه تشکیل داد. (اردستانی، ۱۳۸۸: ۲۶۰). ایشان که متفکر دنیای اسلام است، دارای خطبه‌های عالمانه و آتشین است. او در لابه‌لای حوادث صدر اسلام پرورش یافته و در مکتب بزرگ‌ترین زن دانشمند عالم بشریت، مادرش به تقویت پایه‌های حکمت پرداخت و با این‌که مادر ۵ فرزند بودند با انتقال علم به دیگران از رویان حدیث جامعه زنان قرار می‌گیرد. «چنانچه محمدبن عمرو، عطاءبن سائب، جابر بن عبدالله انصاری، عماد عامری و فاطمه دختر امام حسین علیه‌السلام هم از زینب (سلام‌الله‌علیها) روایت نقل کرده‌اند.» (اردستانی، ۱۳۸۸، ۲۵۹). «پس دانشمندان علم بیاموزید و به دیگران آموزش دهید همان‌طور که دانشمندان به شما آموختند.» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۷۵).

۳- انقلاب و نهضت علمی

اروپای غربی در قرن ۱۹ تحت شرایط انقلاب صنعتی قرار گرفت و با پیشرفت‌های فراوان در زمینه فناوری، کشاورزی، صنعت و حمل‌ونقل، توانست آموزش و تحصیل علم را نیز دگرگون کند و امر تعلیم و تربیت را به شکل کلاسیک

درآورد. لذا این انقلاب صنعتی، پیامدهایی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی ... بر جامعه مسیر تاریخ گذاشت. (عیوضی، هراتی، ۱۳۹۰: ۳۴). در این میان با توسعه کارخانجات صنعتی، زنان به عنوان نیروی کار ارزان وارد بازار کار گردید. و با تحولات اجتماعی وارد عرصه های سیاسی نیز شدند، لذا زنان به تحصیلات کلاسیک روی آوردند و امروز شاهد آن هستیم که برای کسب سرمایه و مقام اجتماعی از علم به عنوان ابزار اصلی بهره می برند. حال این سؤال پیش می آید در این دگرگونی ها و تحولات، زنان چگونه مقام و ارزشی را کسب کرده اند؟ و یا این که توانستند در کنار پیشرفت کارپژوهی به ارزش پژوهی نیز نائل شوند؟!

در سیر گذر تاریخ بشریت از فرهنگ اهل البیت، نهضت عظیمی در میان زنان ایجاد شد. «در جامعه ای که مردان نیز از نعمت علم و کتابت محروم بودند، زنان و مردانی فرزانه رشد یافتند که در پرتو این نهضت، زنان در عرصه های دانش روزگار خویش صاحب نقش شدند. آثار علمی که توسط بانوان پدید آمده کم نیست.» (مهریزی، ۱۳۸۵: ۵۰). حوزه نقل روایت و حدیث، حوزه تدریس، حوزه تلاش علمی، حوزه ادب و هنر، حوزه فقهت، حوزه تلاش علمی، حوزه پزشکی و مداوای مجروحان جنگی، حوزه تربیت نسل عالم، حوزه هایی است که زنان توانسته اند در آن تحولاتی بوجود آرند.

۳-۱- حوزه نقل روایت و حدیث

والا ترین درخشش زن در عرصه علم را باید در وجود جوهر خلقت حضرت زهرا (علیها السلام) جستجو کرد. در حوزه نقل حدیث ایشان مانند خورشید، عصری را که مسبوق به جاهلیت مطلق بود به روشنایی گفتار خویش منور کردند. ایشان در خطبه والایش با تطبیق سخنان پیامبر و قرآن توانستند بزرگ ترین انقلاب فکری را در جامعه طوفان زده آن روزگار به وجود بیاورند. چنانچه امام حسن و حسین (علیها السلام) و امام علی علیه السلام، سلمی ام رافع، انس بن مالک، ام سلمه، زینب دختر ایشان، از ایشان به صورت مستقیم حدیث روایت می کنند و زانی نیز مانند فاطمه زهرا (علیها السلام) نقل حدیث می کردند لذا ایشان به محدثه نیز مشهور بودند (اردستانی، ۱۳۸۸: ۲۶۲-۲۰۹). از زنان ناقل حدیث، نفیسه دختر حسن بن الحسن بن علی علیه السلام است که شافعی و بشر بن الحارث از ایشان حدیث فرامی گرفتند. دختر شیخ طوسی نیز از نظر نقل روایت از زنان ممتاز بوده است. (جلالی ۱۳۷۹: ۴): به تعبیر دیگر زنان، توجه به مسائل و مشکلات زندگی باز هم در فراگیری حدیث و نقل آن بسیار توانا و دقیق بودند. چنانچه نام و شرح حال بیش از ۱۵۰۰ تن از زنان محدثه اسلامی در تاریخ ثبت شده است. در سده های اخیر نیز مانند دختر شریف مرتضی، کتاب نهج البلاغه را به عمویش روایت می کرد و بسیاری از علما نیز نهج البلاغه را از او روایت می کنند. (اردستانی، ۱۳۸۸، ۳۸۹).

۳-۲- حوزه تدریس

طلب علم واجب ولی نشر علم واجب کفایی است. بنابه وظیفه اسلامی و انسانی هر کسی چیزی از علم کسب کرده باید به دیگران تعلیم دهد. لذا، زنان بسیاری در تمدن اسلامی بر سند تعلیم نشستند و در نشر دانش کوشیدند. چنانچه به خدمت معصومین می آمدند و کسب علم می کردند و سپس به میان زنان رفته و دانش خود را به دیگران می آموختند. (جلالی، ۱۳۷۹: ۲). در عصر حاضر نیز زنان همچون خانم امین اصفهانی کلاس های تدریس در شهر اصفهان برگزار می نمودند و بر کرسی تدریس می نشستند. «در دوره های مختلف اسلامی زانی بزرگ بر کرسی تدریس نشستند و فرزانه گانی در مکتب آنان تلمذ کردند.» (مهریزی ۱۳۸۵: ۵۱).

۳-۳- حوزه فقهت

ضرورت اجتهاد باعث شد زنان دانشمند مانند مردان بر سند فقهت نشستند در موضوعات مختلف خصوصاً در مسائل

زنان به استنباط احکام بپردازند. امام صادق در این رابطه می‌فرماید: «قُرْبُ امْرَأَ: افقه من رجل» چه بسا زنانی از مردی فقیه‌تر است (حر عاملی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۱: ۱۷۷). در این زمینه ام‌سلمه از فقهای صحابه شمرده می‌شود و جزء ۱۳ نفری است که اصحاب در فتوی به او مراجعه می‌کردند و ایشان در مورد فقه زنان نیز خبره بودند (جلالی، ۱۳۷۹: ۵). احمدبن ابراهیم می‌گوید: «در سال ۲۶۰ هجری به حضور حکیمه دختر امام جواد علیه‌السلام وارد شدم در حالی که آن بانوی دانشمند پشت پرده ای قرار گرفته بود، مسایل اعتقادی و دینی مختلفی را گفتگو کردیم، سپس درباره‌ی مطالبی که امام جواد علیه‌السلام به مادر خود وصیت کرده بود صحبت شد و من سؤال کردم: آیا در این‌گونه مسائل می‌توان ادعای یک زن را پذیرفت و آن را معیار عمل قرار داد؟ در صورتی که امام جواد (علیه‌السلام) به یک زن وصیت کرده است؟ حکیمه گفت: این کار مانعی ندارد، زیرا این عمل پیروی از حسین بن علی (علیه‌السلام) می‌باشد، چون حسین (علیه‌السلام) هم در ظاهر وصیت خود را به زینب (سلام‌الله‌علیها) کرد و آن بانوی بزرگ را وصی خود قرار داد و علوم و احکامی را که از جانب زین‌العابدین (علیه‌السلام) بیان می‌شد، برای حفظ آن حضرت از خطر دشمن و حفظ جان او به زینب (سلام‌الله‌علیها) نسبت داده می‌شد (اردستانی، ۱۳۸۸: ۲۷۷) و (محلّاتی، ج ۳: ۵۸).

۳-۴- ادب و هنر

از زنان بارز در هنر شعر و ادب می‌توان به حضرت خدیجه (علیها‌السلام) اشاره کرد. «او مهارت تامه‌ای در علم عروضی و ادبیات و شعر داشته است» (میرجهانی، ۱۳۹۰: ۸۸). ایشان در زمانی که زنان در جاهلیت اولی به سر می‌برند از حیث کمال و ثروت و ادب سرآمد مردمان خود محسوب شده است. علامه مجلسی (ره) در کتاب وزین خود بحارالانوار اشعار این بانوی صاحب ادب را بیان نموده است که در راستای مقام و منزلت پیامبر سروده است. برای تبرک قسمتی از اشعار ایشان راکه درباره‌ی پیامبر از مکه بیرون رفت و جبرئیل و فرشتگان اطراف ایشان را فرا گرفته بودند بیان می‌کنیم:

« نعم لی منکم ملزم ایّ ملزم و لو لم یکن قلب‌المتیم فیکم ولم یخل طرفی ساعه من خیالکم ». (۵۰)	و وصل مدی الایام لایتصرّم جریحاً لما سألت دموعی بالدم و من حبکم قلبی و من ذکرکم فمی» (مجلسی، ۱۳۷۳ ج ۱۶:
--	---

۴-۴- یاوران جنگی و پرستاران

امعطیه دختر حارث انصاری از راویان حدیث از پیامبر اکرم است. ایشان از بصره به مدینه آمد و از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله احکام دین آموخت. او همراه ایشان برای مداوا و معالجه مجروحان در جنگ شرکت می‌کرد. او خود می‌گوید: «من در هفت جنگ همراه رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) شرکت کردم و مجروحان را مداوا نمودم.» (اردستانی، ۱۳۸۸؛ ۴۳۶) (عبدالکریم، ۶۳۰ ق، ج ۵: ۶۰۲). پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در طی حدیث معتبری از ۱۲ تن از زنان مسلمان نام می‌برد که در روزگار امام زمان حضور می‌یابند و به مداوای مجروحین جنگی آن حضرت می‌پردازند. فقراء، ام‌میمی، نسبیه دختر کمبازنی، نسبیه دختر کعب (محلّاتی، ج ۵: ۴۱) (اردستانی، ۱۳۸۸؛ ۳۲۹).

۴-۵- تلاش‌های علمی زنان

فاطمه الزهرا (علیها‌السلام) در مدت عمر کم و کوتاه خویش برای دگرگون کردن افکار و اندیشه مردم از جاهلیت علمی بسوی روشنایی، تلاشهای فراوان انجام دادند. ایشان در جامعه‌ای به دنیا آمد که زنان جزء کالای ارزش نداشتن و زنده به گور کردن آن‌ها عادت مردمان گشته بود. حال با آمدن ایشان به عرصه جامعه زنان، تغییر اساسی در بنیان‌های اجتماعی زنان رخ داد و زنان به مستند تعلیم و تدریس نشستند. در پی آن با مشارکت سیاسی خود در

صحنه حکومت به صورت آشکارا انقلاب عظیمی در جامعه‌ای دانایی زنان پایه‌گذاری نمودند و اعلامیه نهضت را اینگونه استوار کردند: «هان ای مردم! بدانید من فاطمه‌ام! و پدرم محمد (صلی‌الله علیه و آله) است. آنچه می‌گویم آغاز و فرجامش یک سخن درست و یک حقیقت است و در آن ناهماهنگی و ضد و نقیضی نخواهد بود.» (قزوینی، ۱۳۱۲: ۵۲۰). تلاش‌های زنان رادکتر صالح یوسف محتوق، دریک جلد کتاب نشان داده است که نمونه‌ای از تلاش‌های علمی زنان مسلمان در قرون اسلامی است. همچنین استاد احمد محمد عیسی جایگاه زنان دانشمند مسلمان را در قرن‌های میانه اسلامی را دریک مقاله کوتاه آشکار کرده است (مهریزی، ۱۳۸۵، ۵۱-۵۰).

۴- بنیان‌های علم‌اندوزی زنان در عصر نوین اسلامی

۴-۱- واجب بودن علم بر هر مسلم

وقتی ظرف علم را وسعت می‌بخشیم و آن را جامه عمل می‌پوشانیم تازه به تعهدمان عمل کرده‌ایم. چه زن و چه مرد به عنوان انسان به میزان توان خود نسبت به تعهدات خود به خداوند مسؤول هستند. یکی از این تعهدات تحصیل علم است. «طلب العلم فریضه علی کل مسلم الا ان الله یحب بقاء العلم» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۵۳). به تعبیر دیگر «کل مسلم» تعیین بر علوم است و «بقاؤالعلم» تأکید بر دانش‌اندوزی است. به همین منظور خداوند برای طالب علم پاداش‌هایی نیز در نظر گرفته است مانند: «کسی که در جستجو تحصیل دانش باشد خداوند او را به بهشت می‌برد» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ۶۹). یا اینکه خداوند دانشجو را دوست دارد. چنانچه فاطمه‌الزهراء در پاداش علم‌اندوزی این‌گونه بیان می‌کنند: «عالمان پیرو ما، در حالی به صحرای محشر حضور می‌یابند که به اندازه علم و دانایی و کوشش و تلاش آنان برای تعلیم و ارشاد بندگان خدا، خلعت‌ها و هدیه‌های گران‌قیمت پاداش داده خواهند شد» (مجلسی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۳).

در این راستا امام صادق (علیه‌السلام) مردم را به گروه‌هایی مشخص کرده است: ۱- عالم ۲- متعلم ۳- غثاء (یعنی خاشاک روی آب) که به وسیله سبکی علمشان، دست‌ابزار دیگران هستند. به صورت عموم، افراد جامعه از زن و مرد در این سه دسته قرار گرفته شده است و قیدی بر آن نیست (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۶۷).

۴-۲- سیمای ارزشمند عالم و عالمه

در دیدگاه مکتب اسلامی هیچ‌چیز مانند عالم از ارزش و فضیلت برخوردار نیست. حتی پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله خود را این‌گونه معرفی می‌کند. «بالتعلیم ارسلت» (مجلسی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۰۶). و یا این‌که فاطمه‌الزهراء (علیها‌السلام) در خطبه خویش، سیمای عالمان امت پدرش را به این‌صورت بیان می‌کند: «انما یخشی الذین عباده العلماء» (فاطر / ۲۸) یعنی در میان بندگان خدا تنها دانشمندان و آگاهان واقعی هستند که از او می‌ترسند و در برابر او احساس مسؤولیت می‌نمایند (قزوینی، ۱۳۹۲: ۲۸۷).

بدین ترتیب احمد طرشتی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت می‌کند که «اگر کسی عالم عارف از شیعیان ما که دانا به مراتب شریعت ما باشد، بعضی از دوستان ... که نتوانسته‌اند به درجات بالای علمی برسند و از نادانان و جاهلان هستند و در راه کمال سرگردانند ... ارشاد نمایند ... در روز قیامت در منازل فردوس جنان او را استقرار دهند. اکنون هر کس در دنیا از این عالم استفاده کرده است. به او متوسل گردد و از تاریکی خود را برهاند و به سوی بهشت رود.» (طبرسی، ۶۲۰ ق، ج ۱: ۱۴-۱۳) و (اکبری، ۱۲۷۹: ۴۷).

۴-۳- ثروت علم

چه بسا ثروت‌هایی که در دنیا مانند ثروت هارون آوازی آن حتی در قرآن نیز مطرح شده، یا ثروتمندانی مانند فرعون و نمرود که حکم‌فرمایی کردند و یا چه قدرتمندانی که کشورهای ضعیف را به استعمار کشاندند ولی اثری دیگر از

آنان در عصر زندگی باقی نمانده است. اما اثرات علم متفاوت است. «ثروت اندوزان با این‌که زنده‌اند نابود شده‌اند اما دانشمندان تا زمانی که روزگار برقرار است، باقی خواهند بود. بدن‌های‌شان در زیر خاک است ولی عکس‌های آنان در قلب‌ها موجود است (امام علی، ۱۳۷۶، ۹۱۰).

حضرت علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه، مال و علم را با هم مقایسه کرده و علم را ثروتی می‌داند که با تعلیم دادن افزون گشته، حافظ صاحب خود است، وسعت دهنده ظرف قلب است (امام علی، ۱۳۷۶، ۹۱۰). در حقیقت «خیر» در تکثیر علم نهفته است: «لکن خیر ان یکنز علمک» (امام علی، ۱۳۷۷، ۸۸۲). در دنیای امروز و در عصر مدرن که همه به دنبال ثروت و سرمایه علم هستند، معصومین بر این نکته تأکید دارند که علم به صورت مطلق بالاترین ثروت است. پس زنان که در این مکتب پرورش یافته در پی یافتن ثروتی بنام علم، چنان مجاهدت می‌کنند که هر چه طلب می‌کنند سیر نمی‌شوند. «دو گرسنه هیچگاه سیر نمی‌شوند: یکی طالب دنیا و دیگر دانش‌آموز.» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۰۷).

۴-۴- مجاهدت و کوشش در کسب علم

سیره عملی پیامبر و اهل‌البیت (علیهم‌السلام) بر مجاهدت و کوشش قرا گرفته و در تمام عمر خود دست از تلاش و کوشش در هدایت مردم برنداشتند. در این رابطه زنان نیز از صدر اسلام هم در خانه به نقش خود مشغول بودند و هم در صحنه سیاست و اجتماع حضور می‌یافتند. در این میان زنانی هم به امر کشاورزی می‌پرداختند و امور زندگی خود را می‌گذرانند ولی به هر حال از تحصیل علم نیز باز نمی‌ماندند.

یکی از این محدثین اسلامی بزرگ حبابه است. او یک زن فوق‌العاده و استثنایی می‌باشد که از امام علی (علیه‌السلام) تا امام رضا (علیه‌السلام) ناقل حدیث بوده است و در زمان امام هشتم، عمرش به ۲۲۵ رسید، ولی از نظر علم و فضیلت مقامی داشت که امام رضا (علیه‌السلام) او را با پیراهن خود کفن نمود و به خاک سپرد (اردستانی، ۱۲۰۸: ۲۴۶).

البته از نظر معصومین نوشتن علم و انتقال آن به نسل آینده بسیار تأکید شده است چنانچه امام صادق علیه‌السلام به یکی از شاگردان خود به نام مفضل این‌گونه سفارش می‌کند: «بنویس و علم خود را در میان هم‌مذهبان پخش کن و اگر از دنیا بروی کتاب‌هایت را به عنوان ارث به فرزندان منتقل کن زیرا زمانی که آنها گرفتار آشوب و فتنه می‌شوند و خستگی بر دوش آن‌ها آن‌چنان سنگینی می‌کند که جز با کتاب‌های خود آسوده خاطر نمی‌شوند.» (کلینی، ۱۳۸۶: ۱۲۷).

۴-۵- منزلت زنان در محور خانواده

«زنان خانه‌دار نیز در جهت تدبیر بهتر شئون منزل و تربیت نیکوی فرزندان به علومی نظیر پرستاری و روان‌شناسی نیاز دارند. یادکرد این نکته لازم است که تعلیم زنان تنها در خود آنان مؤثر نیست؛ بلکه به این دلیل که زن، محور تربیت در خانواده است، در فرزندان و در نهایت در جامعه اسلامی نیز مؤثر خواهد بود از این‌رو چه بسا اهمیت آموزش زنان، بیش از تعلیم و مردان باشد.» (جلالی، ۱۳۷۹: ۱).

«ام هانی» دختر ابوطالب و خواهر علی (علیه‌السلام) که مادر او کسی نیست جز فاطمه بنت اسد و حتی پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) جایگاه او را در بهشت معرفی می‌کند (اردستانی، ۱۳۸۸: ۱۲۰). پیامبر از ایشان درخواست ازدواج نمود ولی ام هانی به خاطر کودکان تیمی که در خانه نگهداری می‌کرد قبول نکرد. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه) وقتی این استدلال علمی را از ام هانی شنید فرمودند: «هیچ مرکبی کسی را بر گرده خود سوار نکرده، که مانند زنان قریش دارای اهمیت و دانایی باشند، زیرا آنان نسبت به فرزندان خود مهربان‌تر و نسبت به شوهری که با او زندگی

می‌کنند از همه وظیفه‌شناس‌تر می‌باشند» (محلّاتی، ج ۳: ۴۵۱). و در جایی دیگر در تعریف از شجاعت ام‌هانی می‌گوید: «اگر همهٔ مردم هم، فرزند ابوطالب بودند، همهٔ آن‌ها افراد دلاور و شجاعی بودند» (اردستانی، ۱۲۸۸: ۱۳۱). او علاوه بر نقش مادری احادیث متعددی نیز بیان نموده‌اند، که این نشانهٔ عقل و عالمی ایشان می‌باشد. البته فرزندان شجاعی نیز پرورش دادند که در رکاب امام علی (علیه‌السلام) خدمت می‌کردند. در این رابطه نصر بن مزاحم می‌گوید: «جعه در میان قریش دارای مقام و شرافت بلندی بود و به خاطر زبان گرم و نرمی که داشت محبوب‌ترین اشخاص در پیشگاه علی (علیه‌السلام) محسوب می‌شد.» (محلّاتی، ج ۳: ۴۵۲). به منظور تبرک حدیثی را از این راوی حدیث بیان می‌کنیم که نشان از مقام والای ایشان است. پیامبر اکرم فرمودند: «روزگاری می‌آید که، اگر نام شخصی را بشنوی بهتر خواهد بود از این که خود او را ببینی، و اگر صرفاً او را ببینی، بهتر خواهد بود از این که او را آزمایش و امتحان کنی، زیرا اگر او را امتحان کنی، اوضاع و احوال دیگری برای تو روشن می‌گردد. چون دین برخی از مردم پول آن‌ها، و هدف آن‌ها صرفاً انباشتن شکم و قبله‌گاه و آرمان‌های بلند آنان زنده‌ای‌شان خواهد بود! آری، چنین مردمی برای نانی تعظیم و چاپلوسی‌های ناروا می‌کنند، برای پول و درهم سجده و خضوع ذلت‌بار می‌نمایند و زندگی آنان با حالت سرگردانی و پریشانی، که نه مسلمانی را ماندونه نصرانی، بلکه با وضع بی‌هوشی و اضطراب سپری می‌گردد» (اردستانی، ۱۳۸۸: ۱۳۴).

۵- پیامدهای علم‌گرایی زنان در تمدن نوین اسلامی

انسان در آغاز پیدایش زندگی خویش به دنبال کمال و ترقی جسم و روح خود به دیدگاه‌های مختلف متوسل گردیده است، لذا در دیدگاه معصومین تعلیم و تربیت دو اصل مهم به‌شمار می‌رود. تعلیم، رشد دادن روح است. «التعلیم هوایی و الفضائل» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۶۴: ۸۷). و تربیت که همان تأدیب است به معنای «هو طریق ایجاد الفضائل الخلقیه و الصناعات العلمیه فی الامم» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۶۴: ۸۷). چنانچه امام کاظم (علیه‌السلام) می‌فرماید: «لازم‌ترین دانش برای تو، دانشی است که تو را به صلاح قلبت راهنمایی کند و فساد آن را برایت آشکار سازد.» (شریفی، ۱۳۸۶: ۲۹). در جامعه نوین اسلام و علم‌اندوزی زنان دارای پیامدهای مختلف در زمینه فردی و اجتماعی است که به ابعاد آن می‌پردازیم:

۵-۱- ابعاد فردی علم‌اندوزی زنان

بی‌تردید، تابش علم و تحصیل در زندگانی افراد محسوس و قابل درک است. در اولین مرحله تابش نور علم بر زندگی خصوصاً زنان باعث می‌شود، فرد ارزش خود را بداند. «دانشمندکسی است که ارزش خودش را بداند.» (امام علی، ۱۳۷۶: ۲۲۴). زنان وقتی ارزش خود را بشناسند جایگاه و مقام خود را درک کنند در نتیجه به بیراه کشیده نمی‌شوند بلکه هم خود و هم دیگران را به بصیرت دعوت می‌کنند. «سفاهت و فریب‌خوردگی در دل عالم نیست.» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۷۷).

در مرحله دوم از تابش نور بر زنان جامعه تمدن نوین، آن است که شکیبایی و وقار دامنه آنان را فرامی‌گیرد. «دانش را فرا گیرید و خود را با شکیبایی و وقار بیارایید» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۷۳). چنانچه پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله فرمودند. «بعثت لاتم مکارم الاخلاق» (مجلسی، ۱۳۷۳، ج ۶۷: ۵۹). در واقع هدف رسالت پیامبر به کمال رساندن و آراستگی اخلاقی انسان‌ها است. در این رابطه بحث‌ها و نظریات فراوانی در میان دانشمندان ردوبدل می‌شود ولی آنچه مهم است عملکرد این علوم در زندگی زنان است. «اخلاق همسررداری»، «اخلاق جنسی» و «اخلاق معیشت خانه‌داری»، «اخلاق تربیت فرزندان»، «اخلاق گفتگو» از ابعادی هستند که زنان در سایه علم و دانایی به آن می‌رسند. درنگاهی «میراث علمی عالمان برجسته جهان نشان می‌دهد که اخلاق و دانش.. همواره مورد توجه دانشمندان

خیرخواه بشر بوده است» (شریفی، ۱۳۸۶: ۳۰-۲۹). بنابراین ائمه معصومین که بالاترین دانشمند تاریخ بشریت هستند به این ابعاد توجه داشته و بهترین روش را برای زنان در اختیار آنان می‌گذارند تا آنان بهترین همسر و بهترین شوق زندگی، بهترین مادر و بهترین مشاور باشد. «در زندگانی جز برای دو نفر خیری نیست: «الف) دانشمندی که فرمانش برد و ب) شنونده‌ای که بشنوند و آن را به خاطر بسپارد و آن را به کار نبرد» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۷۳).

سومین مرحله تابش نور علم زنان بر خانواده است. زنان با کسب علم و کار بست آن میراثی گرانبها را به فرزندان هدیه می‌دهند و فرزندان نیز به‌عنوان رسوم شایسته آن را شیوع می‌دهند. «دانش میراثی شایسته است. رسم‌های پسندیده زیورهایی هستند که کهنه نمی‌شوند» (امام علی ۱۳۷۶: ۸۴۸). امام صادق در تأکید وراثت عالم می‌فرماید: «به‌راستی علما وارث پیامبراند» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۶۱). در این راستا امیرالمؤمنین به زیبایی اثرات و فضایل علم‌اندوزی را به بدنی تشبیه نموده است خصوصاً این آثار در زندگی زنان که به‌عنوان محور سرشت تربیت بشریت معرفی شده‌اند، بسیار چشمگیر است. «ای طالب علم به‌درستی که علم دارای فضائل و ارزش‌های کثیری است:

- سر و رأس علم، تواضع است؛
- چشم علم، دوری از حسد است؛
- گوش علم، فهم است؛
- زبان علم، صدق و راستی است؛
- حافظه علم، کنجکاو است؛
- قلب علم، حسن نیت است؛
- عقل علم، معرفت و شناخت اشیاء و امور؛
- دست علم، رحمت است؛
- پای علم، دیدار علما و دانشمندان؛
- تلاش علم، سلامت است؛
- حکمت علم، ورع و پرهیزکاری است؛
- قرارگاه علم، نجات است؛
- قاعده علم، عافیت است؛
- مرکب علم، وفاء است؛
- سلاح نرم علم، نرمی کلمات و گفتار است؛
- رفیق علم، درستی با نیکان است.» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۱۳).

بنابراین با توجه به نکات فوق متوجه می‌شویم که پیامدهای علم‌اندوزی زنان در ابعاد فردی بسیار فراگیر است. شعاع این فضایل و ارزش‌های در دامنه زندگی چنان تالو می‌کند که در این نوشتار جای بازگویی همه آنان نیست.

۵-۲- ابعاد اجتماعی علم‌اندوزی زنان

انسان، گاه در زندگی اجتماعی خود شتاب می‌کند و به صرف فراهم آمدن زمینه‌های اطلاعاتی وارد عمل گشته و برای کسب بعضی از امور به دنبال شهرت می‌گردد. «کسی که برای جلب توجه مردم به سوی خود به دنبال تحصیل علم باشد، بوی بهشت را نخواهد چشید. ای ابوذر، بوی بهشت به مشام کسی که برای مردم فریبید در جستجو علم باشد نخواهد رسید.» (مجلسی، ۱۳۷۳، ج ۷۴: ۷۶). امروزه در جهان مدرن افراد برای کسب مقام و ثروت و شهرت به دنبال علم رفته و زنان نیز تبعاً برای خودنمایی در جامعه سرمایه‌داری هرگونه شتاب‌زدگی را تجربه می‌کنند.

حال زنانی که در مکتب معصومین پرورش یافته و به دنبال کسب علم و تحصیل رفته‌اند و بهترین علوم را گلچین کردند می‌توانند در تمدن نوین اسلامی بدرخشند! «کسی که برای رضای الهی در پی کسب دانش باشد، هر بایی از دانش که برای او گشوده می‌شود، ذلت و خود کم‌بینی‌اش در برابر خود و تواضعش در برابر مردم، ترسش در برابر خداوند و تلاشش در امور ... افزایش می‌یابد. چنین شخصی از علمش بهره می‌برد پس شما نیز از علم او بهره گیرید. و کسی که برای دنیا و منزلت در نزد حاکمان به دنبال تحصیل دانش باشد، هر بایی از دانش که برای او گشوده می‌شود، خود بزرگ‌بینی او در برابر خود و مردم و غرورش در مقابل خداوند و ستمکاری‌اش در حق دین افزایش می‌یابد.» (مجلسی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۳۴).

به تعبیر امام خمینی، زنان سگویی پرواز جامعه هستند و مظهر تحقق کمال بشریت در تمدن اسلامی هستند. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۳۴۱). و این تأکید فقط در ابعاد زنان عالم و دانشمند جامعه امکان‌پذیر است، لذا زنان عالم در بیرون خانه در عرصه ارتباطات چنان براساس دیدگاه معصومین می‌توانند عمل کنند که نتایج آن در عرصه اجتماع نمایان شود. «اگر زن در جامعه بتواند به علم و معرفت و کمالات معنوی و اخلاقی که خدای متعال و آیین الهی برای همه انسان‌ها به طور یکسان در نظر گرفته است برسد، تربیت فرزندان بهتر خواهد، محیط خانواده گرم‌تر و باصفا تر خواهد شد، جامعه پیشرفت خواهد کرد و گره‌های زندگی آسان‌تر باز خواهد شد.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴: ۸۸).

براساس قاعدهٔ وجوب علم زنان در علمی که جامعه احتیاج دارد از قبیل: علم پزشکی، علم مشاوره، علم فقهت، علم مدیریت کودکان، علم آموزش و پرورش، .. تابع میزان احتیاج جامعه اسلامی است. اگر زنان این علوم را تحصیل نکنند پس جامعه زنان به چه کسانی مراجعه کنند؟! و این یعنی رکود، یعنی برگشت، یعنی جاهلیت، که با منطق و دیدگاه اسلام تداخل دارد. بنابراین تحصیل زنان و مهارت آنان در علوم گوناگون از ضروریات تمدن جامعه اسلامی است. لذا در پیامد وجود چنین زنان دانشمند و وارسته باعث تحقق آمال بشریت که همان زندگی در سایه سعادت الهی است به صحنه ظهور می‌رسد. زنان عالم و حساس به امور جامعه چنان اوضاع جامعه را مورد تفحص قرار می‌دهند، که با مشاهده رفتارهای ضد بشری به صحنه آمده و اعلام براءت می‌کنند «مگر می‌شود یک نفر مسلمان باشد با کشف حجاب مبتذل موافق باشد؟ زن‌های ایران هم قیام کردند بر ضدش و توده‌نی به او زدند که ما نمی‌خواهیم این‌طور چیز را، ما باید آزاد باشیم. این مردک می‌گوید آزادید لکن - باید حتماً - آزادید اما باید حتماً بدون چادر و بدون روسری تو مدارس بروید. این آزادی است.» (امام خمینی، ۱۲۷۱، ج ۳: ۳۴۳).

در پرتو نهضت علمی زنان، جامعه نوین اسلامی می‌تواند نقش‌هایی اساسی و بنیادی تنظیم کند که آثار علمی آن در نسل آینده به ظهور رسد. چنانچه حضرت معصومه (علیها السلام) با هجرت خود را از مدینه توانست راه را برای زنان علوی و مؤمنه هموار کرد. و مهاجرت آنان را به دیگر بلاد امکان‌پذیر کند. در این موقعیت زنان با استفاده از تربیت معصومیه توانستند بزرگ‌ترین هجرت از کشورهای عربی را به ایران پایه‌گذاری کرده و باعث ترویج مکتب تشیع و علوم مختلف در این سرزمین شوند و این از پیامدهای بزرگ جامعه زنان عالمه محسوب می‌شود. لذا ایران سکوی پرواز علوم مختلف گردید و آثار آن را در شهرهایی همچون قم، مشهد، اصفهان ... می‌بینیم.

در خاتمه باید به این نکته اشاره کرد که پیامدهای اجتماعی زنان فاضله و عالمه مستقیماً در جامعه تأثیرگذار است. مهم‌ترین از آن پیامدها وجود زنان شجاع و عالم در امور سیاسی، است. «زن‌ها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می‌کنند. قرآن کریم انسان‌ساز است و زن‌ها نیز انسان‌ساز، وظیفهٔ زن‌ها انسان‌سازی است. اگر زن‌های انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته بشود ملت‌ها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد. و ... زن‌ها هستند که ملت‌ها را تقویت می‌کنند، شجاع می‌کنند ... مقام بانوان در اسلام بلندپایه هستند.» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۶: ۲۹۹).

نتیجه‌گیری

این مقاله در پاسخ به این سؤال اصلی به نگارش درآمده است: «چرا علم‌اندوزی زنان در عصر و تمدن نوین اسلامی مورد توجه قرار گرفته است؟» نگارندگان به بررسی نگرش متفکران غربی - برنشتاین، ایوان ایلیچ، فمینیسم، - و متفکران رهبران دینی معصومین و همچنین دیدگاه امام خمینی به مسأله علم‌اندوزی زنان پرداختند. معصومین با ترسیم نظام دانایی بر محورهای آموختن علم براساس حکمت، انتقال دانایی به دیگران و نسل آینده، تبعیت و عمل از علم توانستند تحولات عظیمی در تحصیل دانش زنان در عرصه فردی و اجتماعی به وجود آورند و تاریخ تمدن اسلامی را توسعه دهند و مقام زنان را از تاریکی جاهلیت به نورانیت انسانست تبدیل کنند. از آن جاکه بنیان‌های اساسی علم‌اندوزی خصوصاً علم‌اندوزی زنان در دیدگاه رهبران دینی اهل‌البیت بر ۵ محور اساسی از قبیل: ۱- واجب بودن فرضیه علم‌اندوزی ۲- سیمای ارزشمندی عالم ۳- بالاترین ثروت ۴- مجاهدت در راه دانایی ۵- حضور و شرکت و شخصیت زنان در محور خانواده استوار گردیده است. لذا در پرتوی این مکتب زنانی در جامعه اسلامی پرورش یافتند که توانستند انقلاب عظیم علمی را در اجتماع زنان مسلمان برپا کنند و هم خود و هم جامعه خود را به تحول فکری در عرصه‌های مختلف سیر دهند. در این میان از زنان نمونه همچون حضرت فاطمه‌الزهرا (علیهاالسلام)، حضرت خدیجه (علیهاالسلام)، ام‌هانی، نسبی، حضرت زینب (علیهاالسلام)، حضرت سکینه (علیهاالسلام)، دختر سید مرتضی، خانم امین، حضرت معصومه (علیهاالسلام) ... نام برده شده و علم‌اندوزی و فعالیت‌های گوناگون علمی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی زنان عالم که در عرصه جامعه تبعات مختلفی در ابعاد فردی و اجتماعی داشته مطرح شد. در ابعاد فردی تابش نور علم‌اندوزی زنان باعث شناسایی ارزش خود زنان، جلوگیری از فریب‌خوردگی، شکیبایی و وقار، کسب اخلاق همسراری و اخلاق تدبیر خانه‌داری و اخلاق تربیت و گفتگو، پایه‌گذاری رسم‌های پسندیده و به ارث گذاشتن آن به فرزندان و نسل آینده است و در ابعاد اجتماعی نیز زنان در این مکتب انسان‌ساز پرورش یافته و با فراگیری علوم نیازمند روز جامعه اسلامی خصوصاً احتیاجات جامعه زنان، از یک سوی بر انگیزه بر تواضع آنان نسبت به مردم محتاج افزایش می‌یابد از سوی دیگر، تلاش و کوشش آنان برای برطرف کردن احتیاجات آنان نیز گسترش می‌یابد. علاوه بر آن که زنان سکوی پرواز جامعه هستند با حضور در اجتماعات و فعالیت‌های سیاسی با هرگونه انحراف و رفتارهای ضد بشری در جامعه اسلامی مبارزه می‌کنند و نسبت به امور حساسیت نشان می‌دهند، که این خود باعث ساختن انسان شجاع در عرصه ملت‌ها شده و ملت‌ها را از انحطاط نجات می‌دهد.

پیشنهادات

- به منظور پرورش زنان عالم و دانشمند در بستر جامعه و خانواده می‌توان با فرهنگ سازی از طریق داستان سازی، نمایش و ... برترین زنان دانشمند بر سایر زنان در رسانه های ملی و شبکه های اجتماعی به عنوان ارائه سند الگوی پیشرفت زنان دانشمند استفاده نمود.
- مصاحبه و گفتگو با زنان فداکار و شجاع در زمینه های گوناگون مانند زن جهادگر، زن کار آفرین، زن کشاورز و ... توسط نخبگان جامعه و ارائه سند پیشرفت.
- زمینه سازی علم اندوزی زنان بصورت بومی در بستر جامعه های محلی مانند جلسه های فرهنگ سرا، جلسه های

- مذهبی و ... که زمینه جذب زنان به سمت علم و دانش می شود.
- استفاده از زنان موفق در تربیت خانواده و فرزندان بصورت ملی در مناسبات و همایش ها در روزهای خاص مانند روز شیرخوارگان، روز اربعین، روز ۲۲ بهمن و ... حرکتی مثبت در تدوین و فرهنگ سازی الگوی پیشرفت فرهنگی جامعه زنان.
 - ارتقاء فرهنگ اندیشه مردان در راستای همکاری و همیاری در علم اندوزی زنان در بستر جامعه بصورت نصب بیلبورد در مکان های عمومی مانند پارک، فروشگاه ها.
 - ارائه بستر مقایسه سازی زنان موفق جهان با زنان گمراه در مراکز دانشگاهی، مراکز علمی.
 - انتقال دانایی و تجربه زنان کهن به نسل جوان زن از طریق برگزاری جلسه های پرسش و پاسخ در رسانه های ملی به صورت حضوری به منظور ارائه الگو و سبک زندگی در بستر علمی.
 - پایه سازی فکری و سرمایه گذاری بصورت اجتماعی در مهد کودک ها، دبستان ها، دبیرستان ها و نهاد دانشگاه جهت ارزشمندی علم زنان در عرصه گوناگون زندگی به صورت بهترین الگو.
 - ترقی جامعه فکری زنان در فعالیت های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

منابع

- قرآن
- امام علی علیه السلام (۱۳۷۶)، نهج البلاغه مرحوم سید رضی، ترجمه مصطفی زمانی: انتشارات نبوی، چاپ ۱۰، تهران
 - حسن زاده آملی (۱۳۶۴) «مجموعه مقالات» مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی - چاپ اول
 - خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۴) «زن از دیدگاه مقام معظم رهبری» انتشارات طرفان
 - ساروخانی، باقر (۱۳۷۰) «دایره‌المعارف علوم اجتماعی» انتشارات کیهان
 - شریفی، احمد حسین (۱۳۸۶) «آیین زندگی» قم: نشر معارف، چاپ یازدهم
 - عبدالکریم، ابوالحسن (۶۳۰ ه. ق) «الغابه فی معرفه الصحابه» معروف به ابن اثیر، انتشارات اسماعیلیان - تهران
 - قزوینی، سیدمحمد کاظم (۱۳۹۲) و حضرت فاطمه‌الزهرا از ولادت تا شهادت» ترجمه علی کرمی فریدنی، چاپ ۱۴، نشر: مرتضی: قم
 - اردستانی، احمد (۱۳۸۵) «زنان دانشمند و راوی حدیث» مؤسسه بوستان کتاب قم
 - اکبری، علی اصغر (۱۳۷۹) «مشایخ بزرگ حدیث در طرشت» انتشارات واج گستران، چاپ اول: تهران
 - امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹) «صحیفه امام» تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
 - بخاری، محمد (۲۵۶ ق) «صحیح بخاری» دارالفکر - بیروت
 - جلالی، شهدا (۱۳۷۹) «درخشش زنان»
 - ذوالفقاری، ابوالفضل (۱۳۸۹) «جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی» انتشارات میدان تهران، چاپ اول
 - کلینی، محمد (۱۳۸۶) «اصول کافی» ترجمه سید مهدی آیت‌اللهی، چاپ اول، تهران، انتشارات جهان‌آرا
 - گیدنز (۱۳۸۶) ساختارگرایی، پساساختارگرایی، تولید فرهنگ» تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی
 - مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۳) «بحارالانوار» تهران مکتبه‌الاسلامیه
 - محلاتی، ذبیح‌الله (۱۴۰۶ق) «ریاحین‌الشریعه»
 - مطهری، مرتضی (۱۳۸۲) «صد گفتار» انتشارات دانشگاه امام صادق، چاپ هفتم
 - مهریزی، مهدی (۱۲۸۵) «اندیشه‌های اجتماعی امام خمینی» نشر عروج: تهران، چاپ دوم
 - میرجهانی طباطبایی، سیدمحمد حسن (۱۳۹۰)، جنه‌العاصمه» ناشر: شمس‌الضحی: تهران، چاپ دوم